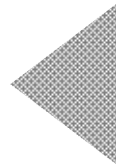


# تأثیر بیماری هلندی بر توزیع درآمد در کشورهای صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه)



پروانه سلاطین<sup>۱</sup>

محمد رضا فرهنگ<sup>۲</sup>

سعیده کریم زادگان<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۹۶/۵/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۱۲/۱۵)

## چکیده

توزیع نابرابر درآمد یکی از پیامدهای مهم نفرین منابع می باشد. اگرچه نفرین منابع بیشتر بر روی تأثیر وفور منابع بر روی رشد اقتصادی تمرکز دارد، اما همان نیروهایی که سبب کاهش رشد اقتصادی می شوند، عامل ایجاد نابرابری در توزیع درآمد نیز می باشند. یکی از دلایل بروز چنین موضوعی بیماری هلندی و تضعیف بخش‌های قابل تجارت داخلی است که با رونق بخش‌های غیرقابل تجارت در مقابل رکود بخش‌های قابل تجارت به خاطر تقویت پول ملی و واردات کالاهای قابل تجارت ایجاد می شود. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری بیماری هلندی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) می باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت در کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ نشان می دهد: نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص بیماری هلندی تأثیر

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه، گروه اقتصاد، فیروزکوه. نویسنده مسئول [p\\_salatin@iauec.ac.ir](mailto:p_salatin@iauec.ac.ir)

۲- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه.

۳- کارشناس ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.

مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. افزایش نسبت تولیدات غیرقابل مبادله به قابل مبادله، ترکیب تولید ناخالص داخلی را به نفع بخش خدمات و ساختمان و به ضرر بخش کشاورزی و صنعت تغییر می دهد. این موضوع می تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد داشته باشد. زیرا بخش ساختمان و خدمات به خصوص خدمات، دارای پیوندهای پسین و پیشین کمتری نسبت به بخش کشاورزی و صنعت می باشند که این موضوع رشد اقتصادی را محدود می سازد و بر روی توزیع درآمد تأثیر نامطلوبی دارد.

طبقه بندی JEL: D33, P28, C23

**واژه‌های کلیدی:** اثرات ثابت، بیماری هلندی، پانل دیتا، توزیع درآمد.

#### ۱- مقدمه

عدالت اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهم ترین اهداف و آرمان های نظام سیاسی و اقتصادی می باشد. عملکرد اقتصادی کشورها در بعد تحقق عدالت اجتماعی می تواند از طریق مطالعه تحولات توزیع درآمد، فقر و رفاه اجتماعی به صورت شاخص های کمی بررسی گردد. از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران یکی از علل اصلی فقر و نابرابری درآمد، کمبود سرمایه و عدم انباشت سرمایه در کشورهای فقیر و توسعه نیافته است. به طوری که این موضوع سبب ناتوانی این کشورها از انجام اصلاحات ضروری جهت تجدید ساختارهای اقتصادی شده است. در حالی که درآمدهای عظیم ناشی از منابع طبیعی باید موجب ایجاد ثروت در جامعه گردد، فرایندهای اقتصادی را بهبود بخشد و فقر را کاهش دهد. اما تجارب بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت خلاف این امر را نشان می دهد. تعداد زیادی از کشورهای دارای منابع طبیعی غنی عملکرد نسبتاً ضعیف تری در مقایسه با کشورهای فاقد منابع طبیعی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی و کاهش فقر داشته اند. در این میان برخی از صاحب نظران توسعه اقتصادی معتقدند که ریشه عقب ماندگی کشورهای صادرکننده نفت خام از نفت سرچشمه می گیرد. مقایسه عملکرد رشد اقتصادی کشورهای نفت خیز با سایر کشورهای فقیر از لحاظ منابع طبیعی نشان می دهد که کشورهای نفت خیز به رغم دارا بودن ثروت نفت، عملکرد ضعیف تری داشته اند که نشان از مشکلات ساختار اقتصادی در این کشورها می باشد (جوادی، ۱۳۸۸).

درآمدهای عظیم ناشی از منابع طبیعی باید منجر به تولید ثروت در اقتصاد شود و فقر را کاهش دهد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که سطوح پایین سرمایه‌گذاری، توسعه اقتصادی را محدود می‌سازد «سرمایه بنیاد گراها» (لویس<sup>۱</sup>، ۱۹۵۵ و روسو<sup>۲</sup>، ۱۹۶۰). از دیدگاه عده ای دیگر حتی پس انداز ملی نمی‌تواند به سادگی به سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منجر شود، چرا که پس انداز با پول رایج داخلی نمی‌تواند به واردات سرمایه‌های خارجی که به ارز خارجی نیاز دارند، منجر گردد «تحلیل‌های شکاف دوگانه»<sup>۳</sup> (جوشی، ۱۹۷۰؛ ال شیلی و تیروال، ۱۹۸۱)<sup>۴</sup>. همچنین نگرش دیگری در اقتصاد توسعه وجود دارد که نشان می‌دهد که کشورهای فقیر باید با یک «فشار قوی رو به جلو» مواجه شوند تا دور باطل فقر را شکسته و به توسعه اقتصادی دست یابند (روسنستین-رودان، ۱۹۶۱؛ مورفی و همکاران، ۱۹۸۹)<sup>۵</sup>. بنابراین درآمدهای باد آورده ناشی از منابع طبیعی همچون نفت و گاز باید بتوانند بر قیود و محدودیت‌های سرمایه اولیه و ارزهای خارجی فائق آمده و «فشار» مورد نیاز را ایجاد نمایند (استیونز، ۲۰۰۳)<sup>۶</sup>. در نتیجه منابع طبیعی همچون نفت را می‌توان به عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند دانست که از لحاظ تئوریک دولت می‌تواند بدون ایجاد اختلال در تولید آن، بر آن مالیات وضع نموده و کسب درآمد نماید. وفور این منابع می‌تواند سبب تسهیل در امر توسعه اقتصادی گردد (مرادی، ۱۳۸۹).

با این وجود تجربه کشورهای نفت خیز خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. بسیاری از کشورهای غنی دارای منابع طبیعی از عملکرد ضعیف تری از لحاظ پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر نسبت به سایر کشورها برخوردار بوده‌اند. این مسئله در ادبیات اقتصادی تحت عنوان نظریه نفرین منابع شناخته شده است. این واژه اولین بار در متون اقتصاد توسعه ریچارد اوتی در سال

۱- Capital Fundamentalism

۲- Lewis

۳- Rostow

۴- Dual Gap Analysis

۵- Joshi El Shibley and Thirwall

۶- Rosenstein-Rodan; Murphy et al

v- Paul Stevens

۱۹۹۳ مطرح گردید. البته کشورهایی وجود دارند که از این نفرین آسیب ندیده و عملکرد خوبی داشته اند. لذا پدیده نفرین منابع «... یک قانون آهنین نیست، بلکه یک تمایل قوی تکرار شونده است.» (اوتی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).

مطالعات گیلیفسون و ژوگا<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) و اوتی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نشان می دهند که وفور منابع طبیعی سبب نابرابری درآمدی می گردد (صاحب هنر و ندری، ۱۳۹۲). یکی از دلایل بروز چنین موضوعی بیماری هلندی می باشد. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تاثیر گذاری بیماری هلندی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ و آزمون فرضیه زیر می باشد.

نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص نشان دهنده بیماری هلندی تاثیر معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد.

لازم به ذکر است در این مقاله ابتدا گروه کشورهای عضو اوپک (آنگولا، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، عراق، کویت، نیجریه، لیبی، عربستان سعودی، قطر، ونزوئلا) انتخاب گردید، ولی به علت ناقص بودن داده های آماری، تعداد این کشورها به سه کشور (ایران، اکوادور، نیجریه) محدود گردید. ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز بانک های اطلاعاتی از جمله بانک جهانی<sup>۴</sup> به نشانی [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) می باشد. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می شود و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می گردد.

۱- Auty

۲- Gylfason, T. and G. Zoega

۳- Auty

۴- World bank

## ۲- مبانی نظری

بیماری هلندی<sup>۱</sup> به وضعیتی اطلاق می شود که در آن به دنبال کشف یک منبع طبیعی همچون نفت و در نتیجه افزایش عواید ارزی حاصل از آن، نرخ ارز واقعی افزایش و عملکرد صادرات کاهش می یابد (باردر و اون<sup>۲</sup> ۲۰۰۶). مرسوم است که برای بررسی تأثیر بیماری هلندی بر عملکرد اقتصادی، کل اقتصاد را به سه بخش کلی طبقه بندی می نمایند. بخش منابع طبیعی (مانند نفت)، بخش کالاهای قابل تجارت (مانند صنعت و کشاورزی) و بخش کالاها و خدمات غیرقابل تجارت (مانند ساختمان). در طرف عرضه اقتصاد، زمانی که ارزش کالاها و تولیدات در بخش منابع طبیعی به طور برونزا افزایش می یابد، تولید نهایی نیروی کار در آن بخش افزایش می یابد و موجب می شود نیروی کار از تمامی بخش های دیگر اقتصاد به این بخش رونق یافته حرکت نماید. این امر به نوبه خود به کاهش استفاده از عوامل تولید در بخش قابل تجارت و در نتیجه، انقباض آن می انجامد. این اثر به منزله جابه جایی منابع شناخته می شود (استیجنس، تیم فیلیپ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

در طرف تقاضا، رونق در بخش منابع طبیعی موجب افزایش درآمد و بنابراین، افزایش تقاضا برای همه کالاها می شود. چون قیمت کالاهای قابل تجارت متأثر از قیمت های جهانی است و چه بسا در بازار جهانی تعیین می شود، این اضافه تقاضا و به تبع آن اضافه مخارج، قیمت های نسبی کالاهای غیرقابل تجارت را افزایش می دهد و در نتیجه، نرخ ارز واقعی افزایش می یابد. در واکنش به این پیامد، عوامل تولید متحرک از بخش کالاهای قابل مبادله به بخش کالاها و خدمات غیرقابل مبادله جابه جا می شوند. این اثر به اثر مخارج یا هزینه شناخته شده است (باردر، اوون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

افزایش نرخ واقعی ارز، به عنوان یکی از نشانه های بیماری هلندی، رقابت پذیری تولیدات داخلی قابل صادرات را کاهش می دهد و به انبساط واردات و انقباض صادرات و در نتیجه کاهش مزیت تولید در بخش های قابل تجارت می انجامد. علت آن است که صادرکنندگان

۱- Dutch Disease

۲- Barder and Owen

۳- Stijns, Tean-Philippe

۴- Barder, Owen

محصولات شان را به قیمت‌های جهانی می‌فروشند و دریافتی هایشان به دلار است، اما در عوض، هزینه‌های تولیدشان به پول داخلی می‌باشد. از این رو، افزایش قیمت کالاهای غیرقابل تجارت در داخل، سودآوری صادرات را کاهش می‌دهد و به تبع آن از توان پرداختی بنگاه‌هایی که به امر صادرات می‌پردازند (و به طور کلی بنگاه‌هایی که در بخش کالاهای قابل تجارت فعالیت می‌کنند) به عوامل تولید می‌کاهد. در نتیجه، اشتغال و تولید در این قبیل فعالیت‌ها در قیاس با بخش‌های غیرقابل مبادله فاقد مزیت می‌گردد. از طرف دیگر، بنگاه‌هایی که فعالیت شان معطوف به عرضه کالاهای در بازار داخلی است، در می‌یابند که اگر به جای تولید به امر واردات کالاهای بپردازند، مقرون به صرفه‌تر خواهد بود. از این رو، تولید و اشتغال در بخش کالاهای قابل تجارت دچار رکود می‌شود.

نکته‌ای که لازم به یادآوری است این است که زمانی که بهره‌وری، تولید و درآمد کشور مفروضی نسبت به سایر کشورها افزایش می‌یابد، قیمت نسبی کالاهای و خدمات غیر قابل تجارت آن کشور نسبت به قیمت کالاهای قابل مبادله اش (یعنی نرخ ارز واقعی) افزایش می‌یابد. چون افزایش نرخ ارز واقعی، حاصل و پیامد منطقی افزایش بهره‌وری و تولید درآمد است، شهروندان نیز در وضعیت رفاهی بهتری قرار می‌گیرند و بیشتر مصرف می‌کنند، اما در مورد بیماری هلندی، قبل از آن که بهره‌وری و تولید در اقتصاد افزایش یابد، نرخ ارز واقعی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، ثروت منابع طبیعی موجب می‌شود مصرف و سرمایه‌گذاری کلان به سطحی بالاتر از توان و ظرفیت اقتصادی کشور مفروض افزایش یابد؛ به این مفهوم که افزایش نرخ ارز واقعی، ارتباطی به بهره‌وری و توان تولیدی اقتصاد ندارد (خضری، ۱۳۸۸).

یکی دیگر از پیامدهای بیماری هلندی، عقب‌گرد صنعتی<sup>۱</sup> و عقب‌گرد کشاورزی<sup>۲</sup> است. در واقع، به دلیل کاهش درآمدهای منابع طبیعی (مثلاً به دلیل تنزل بهای نفت)، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع طبیعی، از حجم یارانه‌ها و دامنه اقدامات حمایتی خود می‌کاهند و در نتیجه، تولیدکنندگان داخلی کشور مفروض در شرایط ضعف و رنجوری به رقابت دشوارتر در بازار جهانی کشانده می‌شوند. نتیجه این امر، ورشکستگی و تعطیلی صنایع

۱- deindustrialization

۲- deagriculturalization

و از مزیت افتادن فعالیت های کشاورزی خواهد بود (قبادی، ۱۳۸۷).

کم و کیف بیماری هلندی و تبعات آن بر عملکرد اقتصادی و سیاسی کشورها به ساختار اقتصادی، کیفیت و ساختار حکومت و نیز کیفیت نهادها بستگی دارد. عملکرد کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی نشان داده است اقتصاد آنها به طور متوسط آهسته تر از اقتصادهایی رشد نموده است که از نظر منابع طبیعی فقیر بوده اند. برای مثال، کشورهایی همچون ایران، نیجریه، ونزوئلا، آنگولا و اکوادور (که از نظر منابع طبیعی ثروتمندند)، در چند دهه اخیر، عملکرد ضعیفی را تجربه نموده اند، در حالی که کشورهای آسیایی که از نظر منابع طبیعی فقیرتر بوده اند، از رشد سریع اقتصادی برخوردار شده اند (گیلفاسون و تولواردور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

تشخیص بیماری هلندی در اقتصاد به سادگی امکان پذیر نیست. در واقع، اثبات این نکته که بیماری هلندی در اقتصاد وجود دارد، کار ساده ای نیست. با این حال، اقتصاددانان برای پی بردن به بروز بیماری هلندی در اقتصاد و نیز انتقاد از عملکرد دولت ها در خصوص نحوه مصرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی، از شاخص ها و نشانه هایی استفاده می کنند که عمده ترین آنها شامل افزایش نرخ ارز واقعی، رونق بخش خدمات، افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله (همچون زمین، مسکن و خدمات)، کاهش نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی (به ویژه کالاهای صنعتی) به تولید ناخالص داخلی، افزایش واردات (به ویژه کالاهای مصرفی)، کاهش سهم ارزش افزوده بخش های صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، افزایش نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP می باشند.

بنابراین زمانی که به دنبال رونق منابع طبیعی (به ویژه رونق نفتی) نشانه های مذکور در اقتصاد ظاهر شود، گفته می شود که اقتصاد مزبور به بیماری هلندی دچار شده است، هرچند ممکن است بخشی از این اتفاقات ناشی از عوامل دیگر بوده باشد. چه بسا خود این عوامل نیز به دلیل رونق نفتی به وجود آمده باشند.

وجود نهادهایی با زیرساخت قانونی ضعیف به بروز فساد و ایجاد فرصت های رانت جویی برای در اختیار گرفتن درآمد ناشی از منابع کمک می کند و می تواند توزیع درآمد در جامعه را

۱- Gylfason, Thorvaldur

تحت تاثیر قرار دهد و آن را به سمت یک توزیع نابرابر حرکت دهد. در واقع، توزیع نابرابر درآمد یکی از پیامدهای نفرین منابع است، گرچه نفرین منابع بیشتر بر روی تاثیر وفور منابع بر روی رشد اقتصادی تمرکز دارد، اما همان نیروهایی که سبب کاهش رشد اقتصادی می شوند، عامل ایجاد نابرابری در توزیع درآمد نیز هستند.

### ۳- سابقه پژوهش

کیمینال<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در مطالعه ای تحت عنوان "بیماری هلندی، عدم تعادل نرخ ارز موثر واقعی و تاثیر آن بر رشد تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا" به بررسی تاثیر عدم تعادل نرخ ارز موثر واقعی بر رشد تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا پرداخت. کشورهای اروپای مرکزی مقدار کمتری از ارزش واقعی بحران های پیش رو را برآورد نمودند در حالی که کشورهای حاشیه بیشتر از ارزش واقعی بحران های پیش رو را تخمین زدند. با این وجود، اختلاف موجود در برآورد کشورهای حاشیه اروپا در دو سال گذشته کاهش یافته است. به نظر می رسد که علت، ناشی از جریان وام های بانکی باشد و با عدم تعادل رشد بلند مدت، کمتر ارتباط داشته باشد. نتایج نشان داد که تاثیر نوسانات نرخ ارز بر رشد تولید ناخالص داخلی پایدار نیست.

آیتو<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در مطالعه ای تحت عنوان "بیماری هلندی و روسیه" به بررسی وجود بیماری هلندی در روسیه پرداخت. نتایج نشان داد میزان تولید در روسیه به طور مثبت با قیمت نفت ارتباط دارد، هرچند واکنش ناشی از شوک قیمت نفت در کوتاه مدت ناچیز است. همچنین جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به رشد تولید کمک می نماید، اما چندان قابل توجه نیست. افزایش هزینه های دولتی، موجب از بین رفتن بخش تولید می شود. و دولت در پاسخ به افزایش میزان تولید، سیاست مالی را اجرا می نماید.

والری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه ای تحت عنوان "کشف نشانه هایی از بیماری هلندی در روسیه" به بررسی نظری و تجربی رابطه ی بیماری هلندی با تغییرات نرخ ارز حقیقی و ساختار

۱- M. Comunale

۲- Katsuya Ito

۳- Valeriy et al



اقتصادی روسیه پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ نشان داد که تغییرات نرخ ارز واقعی اثر منفی و معناداری بر نرخ رشد تولید واقعی و تشدید بیماری هلندی داشته است.

لاری و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "آیا گردشگری استرالیا متحمل بیماری هلندی است" به بررسی رابطه‌ی تغییرات نرخ ارز واقعی و صادرات و واردات کشور استرالیا با استفاده از مدل‌سازی تعادل عمومی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ نشان داد نرخ ارز بالا مشکلات قابل توجهی برای صنایع صادرات و واردات ایجاد می‌کند که یکی از دلایل این مشکلات صنعت گردشگری است. زیرا رونق در گردشگری داخلی رونق در بخش صادرات و واردات را کم‌رنگ نموده که همین امر موجب بیماری هلندی در استرالیا شده است.

اپرجیس و پاین<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "نفرین نفت، کیفیت نهادی و رشد در کشورهای منطقه MENA" به بررسی تاثیر وفور نفت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۰ نشان داد که کیفیت نهادی بهتر، اثرات مخرب و زیانبار در آمد نفتی بر روی عملکرد بخش واقعی اقتصاد را کاهش می‌دهد.

میدکسا<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "تاثیر اقتصادی منابع طبیعی" به بررسی تاثیر منابع طبیعی بر تولید ناخالص داخلی سرانه در کشور نروژ پرداخت. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۷۰ نشان داد که به طور متوسط ۲۰ درصد از افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه نروژ ناشی از منابع سوختی همچون نفت و گاز و گاز مایع می‌باشد.

حسنو<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بیماری هلندی و اقتصاد جمهوری آذربایجان" به بررسی بیماری هلندی در کشور آذربایجان با استفاده روش هم انباشتگی پرداخت. نتایج نشان داد بخش غیر قابل تجارت به میزان قابل توجهی در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۷ گسترش یافته است. همچنین سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش صنعت نفت، صادرات غیر نفتی را مختل نموده است.

---

۱- Peter Forsyth & Larry Dwyer and Ray Spurr

۲- Apergis & Payne

۳- Mideksa

۴- Fakhri Hasanov

مارتین و سابرامانیا<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه ای تحت عنوان "اشاره به نفرین منابع طبیعی: یک تصویر از نیجریه" از جنبه اقتصاد نهادی به موضوع نگرسته و تشریح نمودند که منابع طبیعی همچون نفت تأثیر نامطلوبی بر نهادهای کشورهای صادرکننده نفت دارد و از این طریق عملکرد اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می دهد. نتایج نشان داد که کیفیت نهادهای اقتصادی کشور نیجریه به شدت تحت تأثیر منفی درآمدهای نفتی قرار دارد. آنها توزیع مستقیم درآمدهای نفتی در میان مردم را به عنوان راه حل این معضل پیشنهاد می کنند.

کولیالی<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه ای تحت عنوان "اثر اقتصادی بلندمدت منابع طبیعی و سرمایه انسانی بر نرخ رشد اقتصادی" به بررسی اثر غیرمستقیم منابع طبیعی بر نرخ رشد اقتصادی از طریق سرمایه انسانی در کشور مالی پرداخت. نتایج در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ نشان داد که منابع طبیعی در کوتاه مدت دارای اثر منفی و در بلندمدت دارای اثر مثبت بر سرمایه انسانی می باشد و لذا در افق بلندمدت دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است.

فان و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه ای تحت عنوان "وفور منابع و رشد اقتصادی در چین" به بررسی تأثیر متغیرهای تحقیق و توسعه، تولید صنعتی، سرمایه انسانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرآنه در استان های چین پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۷ نشان داد که شواهد محکمی در مورد وجود پدیده وفور منابع طبیعی وجود ندارد.

کاولکانتی و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه ای تحت عنوان "رشد و توسعه منابع طبیعی: استفاده از شواهد جدید یک تجزیه و تحلیل پانل ناهمگن" به بررسی وفور منابع بر رشد اقتصادی ۵۳ کشور پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۰ نشان داد که وفور منابع (با شاخص های مختلف همچون رانت، ارزش واقعی تولید یا ذخایر نفت) بر رشد اقتصادی تأثیر گذار است.

پیندا و رودریگز<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه ای تحت عنوان "نفرین یا موهبت؟ منابع طبیعی و توسعه

۱- Xavier Salai- Martin & Arvind Subramanian

۲- Coulibaly

۳- Fan et al

۴- Cavalcanti et al

۵- Pineda & Rodriguez

انسانی " مدارک مستند و قوی را مبنی بر این که منابع طبیعی منجر به توسعه انسانی بالا می شود، ارائه نمودند. نتایج نشان داد که تغییرات در اجزای غیردرآمدی توسعه انسانی که در ارتباط با سواد و ثبت نام ناخالص می باشد، به طور متوسط در کشورهای صادرکننده بزرگ تر می باشد. همچنین فراوانی منابع طبیعی اثر مثبتی بر توسعه انسانی دارد.

آنگک (۲۰۱۰)<sup>۱</sup> در مطالعه ای تحت عنوان "بخش مالی و نابرابری توزیع درآمد" به بررسی ارتباط میان توسعه مالی و توزیع درآمد در کشور هند پرداخت. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۵۱ نشان داد که حتی با در نظر گرفتن شاخص های مختلف، توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد دارد. سیاست های مالی به ویژه در کشورهای در حال توسعه می تواند نقش مهمی را ایفا نماید و زمینه ساز تشکیل سرمایه، رشد اقتصادی، ثبات، ایجاد اشتغال کامل، تجهیز منابع، ایجاد عدالت و تخصیص مجدد منابع که منجر به بهبود در توزیع درآمد می شود، گردد.

فرزانگان و مارکوارت<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه ای تحت عنوان « اثر شوک قیمت نفت در اقتصاد ایران» روابط پویا بین شوک های قیمت نفت و متغیرهای اصلی اقتصاد کلان را با استفاده از روش VAR بررسی نمودند. نتایج حاکی از تاثیر مثبت شوک های قیمت نفت بر تورم و وجود یک رابطه مثبت قوی بین شوک های قیمت نفت و رشد محصولات صنعتی می باشد. همچنین از طریق مشاهده ی تقویت معنی دار نرخ ارز حقیقی نتایج نشان داد که اقتصاد ایران دچار بیماری هلندی است.

ایگرت و لئونارد<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه ای تحت عنوان "هراس بیماری هلندی در قزاقستان: آیا واقعی است؟" بیماری هلندی را در قزاقستان بررسی نمودند. برای این منظور یک مدل پولی نرخ ارز را تصریح نمودند و با استفاده از داده های ماهانه و تکنیک های همجمعی انگل - گرنجر و مدل خود توضیح با وقفه های توزیعی مدل را در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۴ برآورد نمودند. نتایج نشان داد که افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی موجب تقویت نرخ ارز حقیقی در این

---

۱- Ang

۲- Farzanegan and Markwardt

۳- Egert and Leonard

کشور شده است. به عبارت دیگر وجود بیماری هلندی در قزاقستان تأیید شده است. لیانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه ای تحت عنوان "ارتباط توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد" نابرابری را در بخش شهری کشور چین بررسی نموده است. وی در این مطالعه اطلاعات مربوط به ۲۹ استان چین را در دوره زمانی ۱۹۸۶-۲۰۰۰ جمع آوری نمود و دریافت که توسعه مالی قویا بر توزیع درآمد تأثیر گذار است.

استیجنس<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه ای تحت عنوان "آزمون تجربی فرضیه بیماری هلندی با استفاده از مدل جاذبه تجارت" به بررسی فرضیه ی بیماری هلندی و تأثیر افزایش قیمت های جهانی منابع طبیعی بر صادرات صنعتی کشورهای صادر کننده ی منابع طبیعی پرداخت. نتایج نشان داد که یک درصد افزایش در قیمت جهانی منابع طبیعی، صادرات صنعتی کشورهای صادر کننده منابع طبیعی را در حدود نیم درصد کاهش می دهد. در صورتی که یک درصد افزایش در صادرات منابع طبیعی کشورهای صادر کننده ی منابع طبیعی، صادرات صنعتی این کشورها را در حدود ۸ درصد کاهش می دهد.

شاه آبادی و صادقی (۱۳۹۴) در مطالعه ای تحت عنوان "وفور منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای نفتی با تأکید بر آزادی اقتصادی" به بررسی ارتباط میان وفور منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی سرانه و اثر متقاطع در دو گروه از کشورهای عضو اوپک و غیر عضو اوپک در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۵ پرداختند. نتایج نشان داد که در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه وفور منابع طبیعی اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی سرانه دارد، در حالی که اثر متقاطع آزادی اقتصادی با فراوانی منابع طبیعی در کشورهای عضو اوپک به عنوان عامل بازدارنده و در گروه دیگر به عنوان عامل بسط دهنده تولید ناخالص داخلی عمل می کند.

مهرگان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی پدیده بیماری هلندی و اثر شوک های نفتی در متغیرهای کلان اقتصادی ایران با استفاده از توابع مفصل دمی" به بررسی بیماری هلندی هنگام رویارویی با تکانه های مثبت درآمدهای نفتی ایران پرداختند. همچنین در

۱- Liang

۲- Stijns

این پژوهش آثار نامتقارن درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی بررسی شده است. اقتصاد ایران در زمان هایی که با شوک های مثبت درآمدهای نفتی روبه رو بوده است و درآمدها به صورت بی رویه به اقتصاد تزریق شده است، دچار بیماری هلندی شده است؛ همچنین درآمدهای نفتی آثار نامتقارن و غیرخطی بر رشد اقتصادی داشته است، به طوری که رشد اقتصادی در مقادیر کرانه ای تکانه ها مستقل از شوک های مثبت و منفی درآمدهای نفتی بوده است.

شاکری و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی رخدادهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی" به بررسی اثر بیماری هلندی بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل های رشد اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد که بیماری هلندی در اقتصاد ایران همزمان با افزایش درآمدهای نفتی به خصوص در دهه های ۱۳۵۰ و ۱۳۸۰ ایجاد شده است و از سوی دیگر بیماری هلندی اثری منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته است.

صاحب هنر و ندردی (۱۳۹۲) در مطالعه ای تحت عنوان «تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران» به بررسی ارتباط میان درآمدهای نفتی و توزیع درآمد در ایران در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۲ پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش درآمدهای نفتی سبب افزایش نابرابری در ایران شده است. همچنین افزایش تورم، مخارج دولت و نسبت مخارج مصرفی به مخارج عمرانی دولت نیز نابرابری را افزایش می دهد. اما افزایش تولید سرانه نابرابری را کاهش داده است.

جرجرزاده (۱۳۹۱) در مطالعه ای تحت عنوان "نفترین منابع، رابطه میان وفور منابع طبیعی و فقر در ایران" به بررسی وجود رابطه بین وفور منابع طبیعی و فقر در دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۸۷ پرداخت. نتایج نشان داد که وفور منابع معدنی از طریق چندین سازوکار مختلف سبب لطمه زدن به فقرا می شود. این سازوکارها عبارتند از بی ثباتی در قیمت منابع اولیه صادراتی، افزایش در نابرابری، کاهش نرخ رشد، حاکمیت و ساختار سیاسی، بیماری هلندی و جنگ داخلی. همچنین نتایج نشان داد که نمی توان وجود فقر را به وفور منابع طبیعی نسبت داد.

نظری و مبارک (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "وفور منابع طبیعی، بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی" به بررسی رابطه ی بین وفور منابع طبیعی، بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۶۰ نشان داد اثر منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی بعد از وارد کردن متغیر های مؤثر بر رشد اقتصادی از قبیل

سرمایه گذاری فیزیکی، مخارج مصرفی دولت، عوامل نهادی، رشد رابطه ی مبادله و درجه باز بودن اقتصاد تغییر نمی کند. همچنین وفور منابع طبیعی منجر به افزایش رشد ارزش افزوده بخش خدمات، کاهش رشد ارزش افزوده ی بخش صنعت، کاهش رشد سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کالایی و تغییر نسبی سهم ارزش افزوده بخش ها به نفع بخش خدمات شده است، لذا شواهد بیماری هلندی در این کشورها وجود دارد. همچنین رشد ارزش افزوده بخش صنعت، تغییرات سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کالایی و نسبت ارزش افزوده ی بخش ها، ارتباط مثبت با رشد اقتصادی دارند.

مرادی (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان «تأثیر نفت بر نماگرهای اقتصاد کلان ایران با تأکید بر مکانیزم های انتقال و آثار» به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در دوره زمانی ۸۵-۱۳۴۷ پرداخت. نتایج حاکی از تاثیر مثبت نفت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در بلند مدت است لیکن این تاثیر بسیار ناچیز است.

مهرآرا، ابریشمی و زمان زاده نصر آبادی (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "مصیبت منابع یا نهادها: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت" به بررسی نقش نهادها و ساختارهای حاکم در یک کشور در نوع و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۷ در ۲۳ کشور مهم صادر کننده نفت نشان داد که متغیر کلیدی و تعیین کننده در تبدیل رانت حاصل از منابع نفتی به مصیبت یا موهبت، کیفیت نهادی حاکم در کشورهای صادر کننده نفت است. به علاوه شاخص کیفیت نهادی ایران کمتر از حد آستانه لازم بوده و احتمالاً در ایران منابع نفتی مصیبت بوده است.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی مکانیسم های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی" به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۰ نشان داد که درآمدهای نفتی به تنهایی برای رشد اقتصادی مضر نیست، یعنی اثر مستقیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی مثبت است، ولی هنگامی که متغیرهای توضیحی دیگر مانند فساد، سرمایه گذاری فیزیکی، رابطه ی مبادله و آموزش وارد مدل می شود، به دلیل اثر درآمدهای نفتی بر این متغیرها و سپس اثرگذاری غیرمستقیم بر رشد اقتصادی، اثر کل درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی منفی برآورد می شود.

خوش اخلاق و موسوی محسنی (۱۳۸۵) در مطالعه ای تحت عنوان "شوک های نفتی و پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران: یک الگوی محاسبه پذیر تعادل عمومی" نشان می دهند که با وقوع شوک ۵ درصدی در افزایش درآمدهای حاصل از فروش نفت، بخش های قابل مبادله، به ویژه کشاورزی و صنعت تضعیف و بخش ساختمان به عنوان بخش غیر قابل مبادله، تقویت شده است. هم چنین تقویت نرخ واقعی ارز، افزایش واردات و کاهش صادرات غیر نفتی در تمامی بخش ها از آثار مشهود این شوک در اقتصاد ایران می باشد.

جرجر زاده و اقبالی (۱۳۸۴) در مطالعه ای تحت عنوان « بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران » به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از روش خود همبستگی با وقفه های توزیعی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۸۱-۱۳۴۷ نشان داد که درآمدهای نفتی به طور معنی داری سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور و در فضای شهری گردیده است.

#### ۴- تصریح مدل

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی آنگک<sup>۱</sup> و لیانگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) برای بررسی میزان تاثیر گذاری بیماری هلندی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

$$GINI_{it} = \beta_0 + \beta_1 DD_{it} + \beta_2 OPENCON2005_{it} + \beta_3 SCHOOL_{it} + \beta_4 GDP_{it} + \beta_5 OIL_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در این معادله،  $GINI^3$  ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد،  $DD^4$  نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص

۱- Ang

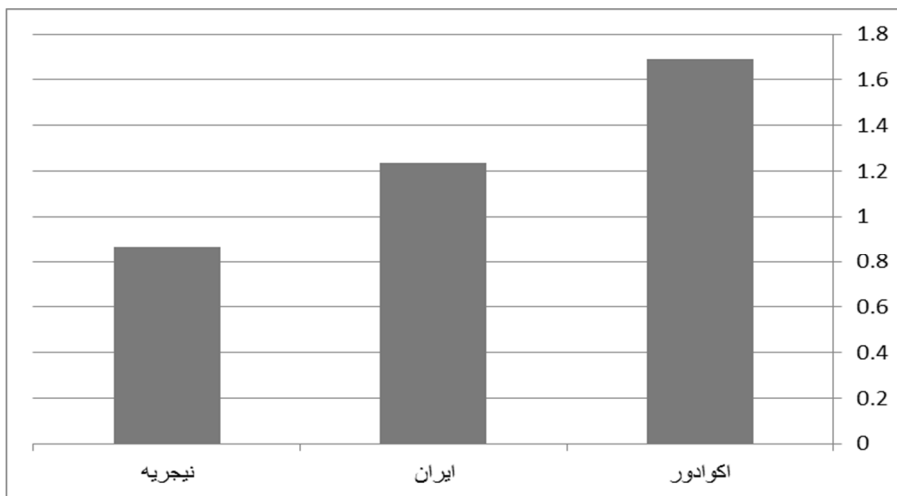
۲- Liang

۳- GINI index (World Bank estimate)

۴-  $DD = (\text{Services, etc., value added (\% of GDP)} / \text{Industry, value added (\% of GDP)})$

نشان دهنده بیماری هلندی،<sup>۱</sup> OPENCON2005 درجه باز بودن اقتصاد،<sup>۲</sup> SCHOOL ثبت نام در مقطع متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی،<sup>۳</sup> GDP تولید ناخالص داخلی واقعی،<sup>۴</sup> OIL سهم درآمد نفتی از تولید ناخالص داخلی،  $U_{it}$  جمله خطای معادله  $i$  و  $t$  نشان دهنده کشور و زمان می‌باشند. در نمودارهای (۱) و (۲) میانگین نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص نشان دهنده بیماری هلندی و ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ آمده است.

نمودار (۱)- میانگین نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص نشان دهنده بیماری هلندی در کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی و محاسبات تحقیق

۱-  $Opencon2005 = ((Imports\ of\ goods\ and\ services\ (constant\ 2005\ US\$)\ +\ Exports\ of\ goods\ and\ services\ (constant\ 2005\ US\$)) / GDP\ (constant\ 2005\ US\$))$

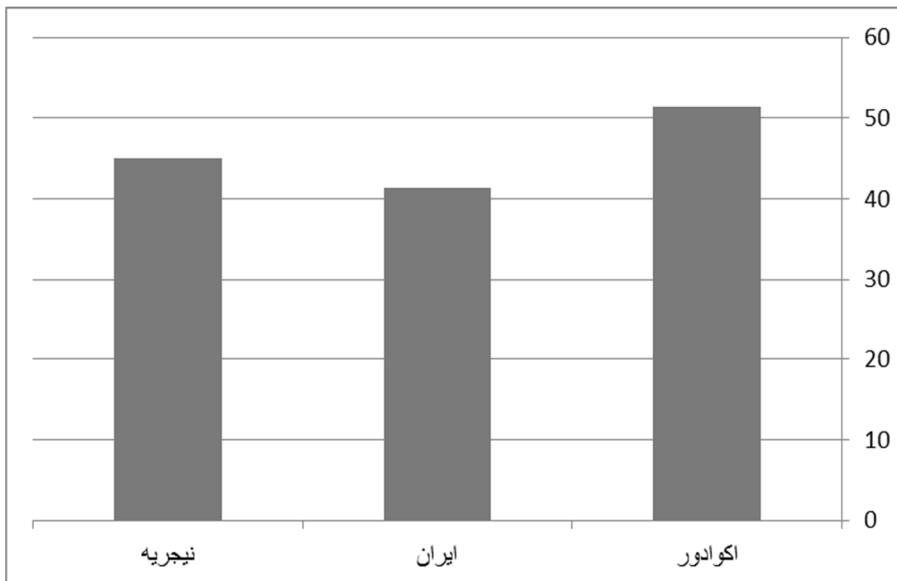
۲- School enrollment, secondary (% gross)

۳- GDP (constant 2005 US\$)

۴- Oil rents (% of GDP)



نمودار (۲) - میانگین ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی و محاسبات محقق

میانگین نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص نشان دهنده بیماری هلندی و ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ در نمودارهای (۱) و (۲) نشان می دهند:

کشورهای اکوادور، ایران و نیجریه به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص نشان دهنده بیماری هلندی را کسب نموده اند.

کشورهای اکوادور، نیجریه و ایران به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد را کسب نموده اند.

## ۵- برآورد مدل

جهت بررسی مانایی و یا نامانایی متغیرها در این مقاله، از آزمون ریشه واحد پانل<sup>۱</sup> استفاده گردیده است که نتایج حاصل از این آزمون برای متغیرهای مورد استفاده در این مقاله در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): بررسی مانایی و نامانایی متغیرها

نتیجه	آماره $t$ ( $P - \nabla value$ ) در تفاضل مرتبه اول	آماره $F$ ( $P - \nabla value$ ) در سطح	آزمون ریشه واحد	متغیر
مانا I(1)	-۱.۲۸۹۳۵ (۰.۰۹۸۶)	۱.۱۶۵۱۲ (۰.۸۷۸۰)	Im, Pesaran, Shin	GINI1
مانا I(1)	۴.۶۹۵۶۲ (۰.۰۰۰۰)	۰.۰۷۵۱۸ (۰.۵۳۰۰)	Im, Pesaran, Shin	DD
مانا I(1)	-۲.۰۴۸۶۷ (۰.۰۲۰۲)	۵.۱۱۴۷۷ (۱.۰۰۰۰)	Im, Pesaran, Shin	OPENCON2005
مانا I(1)	-۵.۸۹۵۴۵ (۰.۰۰۰۰)	۲.۸۱۲۸۰ (۰.۹۹۷۵)	Im, Pesaran, Shin	SCHOOL
مانا I(1)	-۶.۳۸۴۷۱ (۰.۰۰۰۰)	۹.۴۰۴۰۸ (۱.۰۰۰۰)	Im, Pesaran, Shin	GDP
مانا I(1)	-۷.۷۸۰۰ (۰.۰۰۰۰)	(۰.۱۷۰۲) - ۰.۹۵۳۲۰	Im, Pesaran, Shin	OIL

منبع: محاسبات محقق

همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود بر اساس آماره ایم پسران شین همه متغیرها در تفاضل مرتبه اول مانا می باشند. از این رو فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می شود. در نتیجه پایداری داده‌های مورد استفاده در مقاله قبل از برآورد مدل مورد تأیید واقع می شود.

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره F لیمر استفاده شد. با توجه به میزان آماره F لیمر محاسبه شده در جدول (۲)

۱- Panel Unit Root Test

فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون این که مدل با بهره گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم افزار EViews انجام گرفت. با توجه به میزان آماره  $\chi^2$  به دست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون در جدول (۲) فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش تصادفی رد می شود. از این رو اثرات ثابت برای تخمین مدل تایید می شود که نتایج مربوط به آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج برآورد تأثیر بیماری هلندی بر توزیع درآمد به روش اثرات ثابت در کشورهای منتخب (متغیر وابسته: ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد)

روش اثرات ثابت	
ضرایب (آماره t) {p-value}	متغیرهای توضیحی
۱۱۸.۵۳۱۸ (۴.۳۴۰۹۲۸) {۰.۰۰۱۲}	C
۷.۹۶۴۱۲۹ (۲.۹۷۷۱۲۱) {۰.۰۱۲۶}	DD
-۳۱.۰۶۲۱۰ (-۴.۱۵۹۲۲۷) {۰.۰۰۱۶}	OPENCON2005
-۷۶.۰۶۹۶۸ (-۳.۰۵۷۹۱۴) {۰.۰۱۰۹}	SCHOOL
-۱.۹۶E-۱۵ (-۲.۸۵۷۲۳۵) {۰.۰۱۵۶}	GDP
۰.۶۵۴۷۲۴ (۴.۳۳۸۳۰۱) {۰.۰۰۱۲}	OIL
۰.۷۶۷۸۶۹	R <sup>2</sup>

روش اثرات ثابت	
۹۵۰۶۰۸۹ {۰.۰۰۰۶۶۳}	F آماره
$F(2,10)=5.088089$ P-value={۰.۰۲۳۳}	آماره آزمون F لیمر
CHISQ(۴)=۱۱.۷۱۸۶۱۰ P-value={۰.۰۴۱۵}	آماره آزمون هاسمن

منبع: محاسبات محقق

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) به روش اثرات ثابت در جدول (۲) نشان می‌دهد: نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص بیماری هلندی تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. بنابراین فرضیه ارتباط معنادار میان بیماری هلندی و ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد.

سهم درآمد نفتی از تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. افزایش قیمت نفت سبب افزایش ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده نفت می‌شود و قدرت تجویز این درآمدها را به اقتصاد داخلی افزایش می‌دهد. تزریق نادرست این منابع به اقتصاد ملی، می‌تواند اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را دچار مشکل کند. از سوی دیگر، در صورت اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی نامناسب، نابرابری درآمد افزایش می‌یابد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۸). افزایش درآمدهای نفتی و به تبع آن افزایش اندازه دولت و دخالت دولت، می‌تواند با توجه به رقابت دولت با بخش خصوصی، تضعیف نرخ رشد اقتصادی را موجب شود. زیرا افزایش اندازه دولت موجب می‌شود تا در خصوص جذب عوامل تولید بین دولت و بخش خصوصی رقابتی شکل گیرد که با توجه به قدرت و توان بیشتر دولت این رقابت به نفع دولت تمام می‌شود، اما دولت در استفاده از منابع، ناکاراتر از بخش خصوصی عمل می‌کند و بنابراین، موجب هدر رفت بخشی از منابع می‌شود. که این موضوع بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد تأثیر نامطلوبی دارد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۲).

درجه آزادی اقتصادی تاثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. باز بودن اقتصاد، کالاهای داخلی را در معرض رقابت قرار می دهد که این موضوع افزایش کارایی تولید را در بردارد. از سوی دیگر با باز بودن اقتصاد امکان انتقال دانش فنی و تکنولوژی به وجود می آید. از این رو درجه آزادی اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد می گذارد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۲). میزان ثبت نام در مقطع متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی تاثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. طرفداران نظریه سرمایه انسانی معتقدند که در بلند مدت، بهترین راه برای توزیع عادلانه درآمد، سرمایه گذاری در سرمایه انسانی است. آنها بر این باورند که برای عادلانه تر کردن توزیع درآمد، باید ساختارها تغییر نماید و یکی از راه های تحول در ساختارها، سرمایه گذاری در آموزش و کسب مهارت می باشد. در این زمینه بکر<sup>۱</sup> معتقد است سرمایه گذاری در آموزش به توزیع عادلانه درآمد می انجامد (خلخالی و همکاران، ۱۳۸۹).

تولید ناخالص داخلی واقعی تاثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب در کشورهای منتخب دارد. مقدار ضریب تعیین در مدل نشان می دهد که بیش از هشتاد درصد از تغییرات ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.

## ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف این مقاله بررسی میزان تاثیرگذاری بیماری هلندی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب صادرکننده نفت (اکوادور، ایران، نیجریه) در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ بود. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت نشان داد که نسبت سهم ارزش افزوده بخش خدمات به GDP به ارزش افزوده بخش صنعت به GDP به عنوان شاخص بیماری هلندی تاثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. افزایش نسبت تولید

غیرقابل مبادله به قابل مبادله ترکیب تولید ناخالص داخلی را به نفع بخش خدمات و ساختمان و به ضرر بخش کشاورزی و صنعت تغییر می دهد. این موضوع می تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد داشته باشد. زیرا بخش ساختمان و خدمات، به خصوص خدمات، دارای پیوندهای پسین و پیشین کمتری نسبت به بخش کشاورزی و صنعت، به خصوص صنعت می باشد که این امر رشد اقتصادی را محدود می سازد و بر روی توزیع درآمد تاثیرگذار است. البته مطرح است که بخش خدمات و ساختمان آثار خارجی مثبت کمتری نسبت به بخش صنعت دارند که این موضوع نیز رشد اقتصادی را محدود می سازد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین با بروز بیماری هلندی فعالیت هایی مانند بخش صنعت که در بازارهای بین المللی در سطح گسترده ای مبادله می شوند، دچار رکود می گردند (کریم زاده و همکاران، ۱۳۸۸). با رکود فعالیت های بخش صنعت رشد اقتصادی کاهش و ضریب جینی افزایش می یابد. سایر نتایج نشان می دهند که سهم درآمد نفتی از تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد. درجه آزادی اقتصادی، میزان ثبت نام در مقطع متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی و نیز تولید ناخالص داخلی واقعی تاثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در کشورهای منتخب دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده در چهارچوب این مطالعه می توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

- عدم تزریق یک باره درآمدهای نفتی به اقتصاد و استفاده از صندوق ذخیره ارزی.
- استفاده از تجربه های کشورهای موفق در مقابله با بیماری هلندی مانند نروژ و اندونزی. دولت اندونزی از درآمدهای نفتی برای اهداف توسعه ملی استفاده نمود. این کشور درآمدهای نفتی را صرف سرمایه گذاری در بهداشت روستایی و تسهیلات آموزشی، ایجاد راه ها و زیربناها در نواحی روستایی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، خودکفایی در محصول برنج، تامین مالی سیستم های آبیاری، کمک و تامین اعتبار به کشاورزان در تهیه کودهای شیمیایی و سموم آفت کش نموده است.
- استفاده از توصیه های بانک جهانی مبنی بر این که کشورها درآمد حاصل از ثروت ملی را از نظر زمانی و توزیع بین نسلی، به شکلی مناسب مدیریت نمایند که احساس

زیان ننمایند. همچنین با استفاده از صندوق ذخیره ارزی در تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از شوک های ناشی از نوسان نرخ ارز بکوشند.

- بهبود فضای کسب و کار به منظور افزایش تولید و کاهش نابرابری توزیع درآمد.
- ایجاد زمینه برای توسعه آموزش و تخصص در نیروی کار از طریق ایجاد شرایط تحصیلات رایگان، گسترش مراکز آموزشی و سیاست های تشویقی آموزشی.
- وضع تعرفه های تجاری مطابق با شرایط داخلی و خارجی بازارهای اقتصادی به گونه ای که منجر به بهبود صادرات و واردات، تولید، اشتغال و سطح درآمد گردیده و فرآیند توزیع درآمد را بهبود بخشد.

## منابع

- ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد و حاجی میرزایی، سید محمد علی. (۱۳۸۷). بررسی مکانیسم های اثرگذاری درآمد های نفتی بر رشد اقتصادی کشور های صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی. **فصلنامه اقتصاد انرژی**، سال پنجم، شماره ۱۶، صفحات ۱۵۶-۱۳۱.
- جرجرزاده، علی رضا. (۱۳۹۱). نفرین منابع، رابطه میان وفور منابع طبیعی و فقر در ایران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۱، صص ۷-۲۷.
- جرجرزاده، علی رضا و اقبالی، علی رضا. (۱۳۸۴). بررسی اثرهای درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران. **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۴ (۱۷)، صفحات ۱۹-۱.
- جوادی، شاهین. (۱۳۸۸). **مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت**، ترجمه مجموعه مقالات، گروه نویسندگان، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- خلخالی، علی و مهرگان، منصور و دلبری، حسن. (۱۳۹۰). بررسی اثرات ساختار آموزش بر توزیع درآمد، **فصلنامه مدل سازی اقتصادی**، سال چهارم، شماره ۲، صص ۵۷-۷۱.
- خضری، محمد. (۱۳۸۸). بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال دوازدهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۴۶، ۸۲-۶۷.
- خوش اخلاق، رحمان و موسوی محسنی، رضا. (۱۳۸۵). شوک های نفتی و پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران: یک الگوی محاسبه پذیر تعادل عمومی، **تحقیقات اقتصادی**، شماره ۷۷، ۱۱۷-۹۷.
- سامتی، مرتضی و خانزادی آزاد و یزدانی مهدی. (۱۳۸۸). اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: مطالعه ی موردی کشور ایران، **فصلنامه اقتصاد مقداری** (بررسی های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۴، صفحات ۷۲-۵۱.

- شاکری، عباس و محمدی، تیمور و ناظمان، حمید و طاهرپور، جواد. (۱۳۹۲). بررسی رخدادهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی**، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صفحات ۸۶-۶۳.
- شاه آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد. (۱۳۹۴). وفور منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای نفتی با تأکید بر آزادی اقتصادی، **فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی**، شماره ۲۰، ص ۷۹.
- شفیعی، سعیده و مرعشی علی آبادی، سارا. (۱۳۹۱). چالش های اساسی پیش روی مدیریت صندوق توسعه ملی در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، **راهبرد اقتصادی**، دوره ۱، شماره ۲؛ صفحات ۹۳-۹۳.
- صاحب هنر، حامد و ندری، کامران. (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران، **فصلنامه اقتصاد انرژی ایران**، سال دوم، شماره ۹، صفحات ۱۱۵-۱۴۹.
- قبادی، فرخ. (۱۳۸۷). پیامدهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران، **روزنامه دنیای اقتصاد** (۸۷/۱/۲۵).
- مرادی، محمد علی. (۱۳۸۹). تأثیر نفت بر نماگرهای اقتصاد کلان ایران با تأکید بر مکانیزمهای انتقال و آثار، **فصلنامه پژوهش های اقتصادی**، شماره دوم، صفحات ۱۴۰-۱۱۵.
- مهرآراء، محسن و ابریشمی، حمید و زمان زاده نصرآبادی، حمید. (۱۳۸۹). مصیبت منابع یا نهادها: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت، **پژوهشنامه اقتصادی**، شماره سوم، صفحات ۲۳۳-۲۰۵.
- مهرگان، نادر و دانش خواه، علیرضا و چترآبگون، امید و احمدی، روح الله و تیشه کنی، فریبرز. (۱۳۹۳). بررسی پدیده بیماری هلندی و اثر شوک های نفتی در متغیرهای کلان اقتصادی ایران با استفاده از توابع مفصل ذمی، **فصلنامه تحقیقات اقتصادی**، شماره ۱۰۷، تابستان ۱۳۹۳ صص ۴۱۱-۴۲۸.
- نظری، محسن و مبارک، اصغر. (۱۳۸۹). وفور منابع طبیعی، بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی، **فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی**، سال هفتم، شماره ۲۷، صفحات ۶۸-۴۷.
- Ang, J.B. (2009), "Financial Liberalization and Income Inequality", MPRA, Paper No. 14496.
- Apergis, N., & Payne, J. E. (2014). **The Oil Curse, Institutional Quality and Growth in MENA Countries: Evidence from Time-Varying Cointegration**. Energy Economics, 46,1-9.
- Auty, R. (1994). "The resource curse thesis: minerals in Bolivian development, 1970-90" **Singapore Journal of Tropical Geography**, Vol 15, No.2.
- Auty, R. M. (2001). **Resource abundance and economic development**. Oxford University Press, Oxford and New York.



- Barder, Owen (2006), "A Policymakers Guide to Dutch Disease. Center for Global Development", Working Paper No 91. Available at [www.cgdev.org](http://www.cgdev.org).
- Cavalcanti, T., Mohaddes, K., & Raissi, M. (2011) Growth, Development and Natural Resources: New Evidence Using a Heterogeneous Panel Analysis. **The Quarterly Review of Economics and Finance**, 51, 305.
- Coulibaly, Ibrahima. (2013); **Long Term Economic Impact of the Natural Resources and Human Capital on the Growth Rate**, Research Papers, paper 399:1-37.
- El Shibley and Thirwall (1981) "Dual-Gap analysis for the Sudan." World Development, February.
- Egert, B. & C. Leonard. (2008). **Dutch Disease Scare in Kazakhstan: Is It Real? Open Economics Review**, 19: 147-165.
- Fan, R., Fang, Y., & Park, S. Y. (2012). **Resource Abundance and Economic Growth in China**. China Economic Review, 23, 704-719.
- Farzanegan, M. R. & G. Markwardt. (2009). **the Effects of Oil Price Shocks on the Iranian Economy**. Energy Economics, 31: 134-151.
- Fakhri Hasanov, 2013, **Dutch disease and the Azerbaijan economy, Communist and Post-Communist Studies**, PP 1-18.
- Gylfason, Thorvaldur (2001), "Lessons from the Dutch Disease: Causes, Treatment and Cures", Faculty of Economics and Business Administration, University of Iceland.
- Gylfason, Th. (2004). **Natural Resources and Economic Growth: from Dependence to Diversification**. CEPR Discussion Papers, No. ۴۸۰۴.
- Joshi V (1970) "Saving and foreign exchange constraints". In Streeten P (Ed.) Unfashionable Economics. Weidenfeld & Nicholson, London
- -Katsuya Ito(2017)," **Dutch Disease and Russia**", InternationalEconomics, <http://dx.doi.org/10.1016/j.inteco.2017.04.001>
- Lewis A (1955) **the theory of economic growth**. Allen & Unwin, London.
- Liang,Zh(2006) **Financial Development and Income Distribution :a System GMM Panel analysis with application to urban china**.Journal of Economic Development. 31(2):1-21
- -M. Comunale(2017)," **Dutch disease, real effective exchange rate misalignments and their effect on GDP growth in EU**", Journal of International Money and Finance.
- Mideksa, T. K. (2013). **The Economic Impact of Natural Resources**. **Journal of Environmental, Economics and Management**, 65, 277-289.
- Murphy, K, schleifer, A, Vishny, R, W. (1989) "**Industrialisation and the big push**"**journal of political Economy**, Vol97, No, 5.
- Peter Forsyth & Larry Dwyer and Ray Spurr, 2014, **Is Australian tourism suffering Dutch Disease?**, Annals of Tourism Research, Vol 46, pp 1-15.

- Pineda, J., & Rodriguez, F. (2010). **Curse or Blessing? Natural Resources and Human Development**. Human Development Research Paper.
- Rosenstein-Rodan, P. (1961). "Notes on the theory of the big push", In **Ellis, H.S. and Wallich, H.C. (Eds)**. Economic Development for Latin America, St Martin's Press, New York.
- Rostow W (1960) **the stages of economic growth**. Cambridge University Press, Cambridge.
- Stevens, Paul (2003). **Resource impact - curse or blessing?**
- Stijns, J. Ph. (2001). **Natural Resource Abundance and Economic Growth Revisited**. University of California at Berkeley. Development and Comp Systems, Econ WPA, 0103001.
- Stijns, Jean- philippe (2002), **An Emprical Test of Dutch Disease Hypothesis Using Gravity Model of Trade**. University of California at Berkeley, Department of Economics.
- Valeriy V. Mironov, Anna V. Petronevich, (2015), **discovering the signs of Dutch disease in Russia**, Resources Policy, Volume 46, Part 2, Pages 97-112.
- Xavier Sala-i-Martin & Arvind Subramanian,(2013), **Addressing the Natural Resource Curse: An Illustration from Nigeria**," Journal of African Economies, Centre for the Study of African Economies (CSAE), vol. 22(4), pages 570-615.